

موسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی

گوش گیلکی حسن کیاده ((کیا شهر))

-

پایان نامه دورهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی

استاد راهنما: آقای دکتر یحیی مدرس

استاد مشاور: خانم دکتر ایران کلباسی

داود سرمست دستک

۱۳۷۱

۱	پیشگفتار
۴	نشانه‌های آوانویسی
۴	الف : نشانه‌های اصلی
۶	ب : نشانه‌های فرعی
	-
۷	فصل اول : مقدمات
۷	۱-۱- گیلان
۸	۲-۱- سیمای طبیعی گیلان
۹	۳-۱- جغرافیای تاریخی
۱۱	۴-۱- وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
۱۴	۵-۱- گیلکی
۱۵	۶-۱- زبان و گویش
۱۷	۷-۱- گیلکی حسن کیاده (کیا شهر)
۱۹	نقشه شماره ۱
۲۰	نقشه شماره ۲
۲۱	نقشه شماره ۳
۲۳	۸-۱- مطالعات انجام شده درباره گویش گیلکی
۲۸	۹-۱- روش کار
۲۸	۱-۹-۱- گویشوران
۲۹	۲-۹-۱- پرسشنامه
۲۹	۳-۹-۱- گردآوری داده‌ها
۳۰	۴-۹-۱- استخراج و تحلیل داده‌ها

۳۱	فصل دوم : نظام آوایی
۳۱	۱-۲- توصیف و استخراج واجها
۳۱	۲-۱-۲- همخوانها
۴۰	۲-۱-۲- واجگونه های مهم همخوانها
۴۵	۲-۱-۲- واکه ها
۴۷	۲-۱-۲- واجگونه های مهم واکه ها
۵۰	۲-۱-۲- واکه های مرکب
۵۲	۲-۲- ساخت هجا
۵۳	۲-۲-۱- ساخت آغاز هجا
۵۳	۲-۲-۲- ساخت پایان هجا
۵۴	- جدول خوشه های دوهمخوانی پایان هجا
۵۵	۳-۲- مشخصه های نوایی گفتار
۵۵	۲-۳-۱- آهنگ
۵۵	۲-۳-۲- تکیه
۵۶	۴-۲- برخی شباهتها و تفاوتها ی تلفظی گویش گیلکی حسن کیاده با فارسی معیار
۵۷	الف : تفاوتها ی واکه ای
۵۹	ب : تفاوتها ی همخوانی
۶۳	فصل سوم : صرف
۶۳	۱-۳- اسم
۶۳	۳-۱-۱- شمار
۶۶	۳-۱-۲- نشانه اضافه
۶۷	۳-۱-۳- نکره و معرفه

۶۸	۲-۲-۲ - صفت
۶۸	۱-۲-۲ - صفت ساده
۶۹	۲-۲-۲ - صفت برتر
۶۹	۳-۲-۲ - صفت برترین
۷۰	۳-۲-۲ - قید
۷۰	۱-۳-۳ - قید حالت
۷۰	۲-۳-۳ - قید زمان
۷۱	۳-۳-۳ - قید مکان
۷۱	۴-۳-۳ - قید مقدار
۷۱	۵-۳-۳ - قید نفی
۷۲	۶-۳-۳ - قید تاکید
۷۳	۷-۳-۳ - قید استثناء
۷۳	۸-۳-۳ - قید پرسش
۷۳	۹-۳-۳ - قید شک و تردید
۷۳	۱۰-۳-۳ - قید تمنی و آرزو
۷۳	۴-۳ - عدد
۷۴	۱-۴-۳ - عدد اصلی
۷۵	۲-۴-۳ - عدد ترتیبی
۷۶	۳-۴-۳ - عدد کسری
۷۶	۵-۳ - ضمیر
۷۶	۱-۵-۳ - ضمایر شخصی جدا
۷۸	۲-۵-۳ - ضمایر شخصی پیوسته
۷۹	۳-۵-۳ - ضمایر اشاره
۷۹	۴-۵-۳ - ضمایر مشترک
۸۰	۵-۵-۳ - ضمایر پرسشی
۸۰	۶-۵-۳ - ضمایر موصولی
۸۱	۷-۵-۳ - ضمایر مبهم
۸۱	۶-۳ - ساخت درونی (صرفی) واژه
۸۱	۱-۶-۳ - واژه ساده
۸۲	۲-۶-۳ - واژه مشتق
۸۲	۱-۲-۶-۳ - پیشوند

۸۳	۲-۲-۶-۳ - پسوند
۸۶	۳-۶-۳ - واژه مرکب
۸۶	۱-۳-۶-۳ - مضاف الیه با ضافه مضاف
۸۶	۲-۳-۶-۳ - صفت با ضافه موصوف
۸۷	۳-۳-۶-۳ - صفت عددی با ضافه معدود
۸۷	۴-۳-۶-۳ - تکرار یک اسم
۸۷	۷-۳ - فعل
۸۸	۱-۷-۳ - نشانه مصدر
۸۸	۲-۷-۳ - ستاک های فعل
۸۸	۱-۲-۷-۳ - ستاک گذشته
۹۱	۲-۲-۷-۳ - ستاک حال
۹۵	۳-۷-۳ - وندهای فعلی
۹۶	۱-۳-۷-۳ - وندهای تصریفی
۹۷	۲-۳-۷-۳ - وندهای نفی
۹۸	۳-۳-۷-۳ - پیشوندهای اشتقاقی
۱۰۰	۴-۳-۷-۳ - وندهای شخصی
۱۰۲	۴-۷-۳ - فعل ساده، پیشوندی و مرکب
۱۰۲	۱-۴-۷-۳ - فعل ساده
۱۰۲	۲-۴-۷-۳ - فعل پیشوندی
۱۰۳	۳-۴-۷-۳ - فعل مرکب
۱۰۳	۵-۷-۳ - زمان های ساده فعل
۱۰۴	۱-۵-۷-۳ - حال اخباری
۱۰۴	۲-۵-۷-۳ - حال التزامی
۱۰۵	۳-۵-۷-۳ - حال در حال انجام

۱۰۶	۴-۵-۷-۳ - فعل امر
۱۰۷	۵-۵-۷-۳ - گذشته ساده
۱۰۹	۶-۵-۷-۳ - گذشته استمراری
۱۱۱	۶-۷-۳ - زمان های فعلی مرکب
۱۱۱	۱-۶-۷-۳ - گذشته در حال انجام
۱۱۲	۲-۶-۷-۳ - گذشته دور
۱۱۳	۳-۶-۷-۳ - گذشته نقلی
۱۱۶	۴-۶-۷-۳ - گذشته التزامی
۱۱۷	۷-۷-۳ - فعل مجهول
۱۱۸	۸-۷-۳ - فعل سببی
۱۲۰	۹-۷-۳ - فعل لازم و متعدی
۱۲۰	۱۰-۷-۳ - فعل معین
۱۲۱	۱۱-۷-۳ - فعل شبه معین
۱۲۲	۱۲-۷-۳ - فعل خاص
۱۳۴	فصل چهارم : نحو
۱۳۴	۱-۴ - جمله
۱۳۴	۱-۱-۴ - نهاد
۱۳۴	۲-۱-۴ - گزاره
۱۳۵	۲-۴ - انواع جمله از نظر نوع فعل
۱۳۵	۱-۲-۴ - جمله با فعل اسنادی
۱۳۵	۲-۲-۴ - جمله با فعل غیر اسنادی
۱۳۶	۳-۴ - انواع جمله از نظر آهنگ کلام
۱۳۶	۱-۳-۴ - جمله با آهنگ برخاسته

۱۳۶	۴-۳-۱-۱- جملهٔ پرسشی با کلمهٔ پرسشی
۱۳۶	۴-۳-۱-۲- جملهٔ پرسشی بدون کلمهٔ پرسشی
۱۳۷	۴-۳-۲- جمله با آهنگ افتاده
۱۳۷	۴-۳-۲-۱- جملهٔ خبری
۱۳۷	۴-۳-۲-۲- جملهٔ امری
۱۳۷	۴-۳-۲-۳- جملهٔ تعجبی
۱۳۸	۴-۴- ترتیب کلمات
۱۴۰	۴-۵- تطابق نهاد با فعل
۱۴۲	۴-۶- پیوند کلمه‌ها
۱۴۳	۴-۷- انواع جمله از نظر بند
۱۴۳	۴-۷-۱- جملهٔ ساده
۱۴۳	۴-۷-۲- جملهٔ مرکب همپایه
۱۴۴	۴-۷-۳- جملهٔ مرکب وابسته
۱۴۴	۴-۷-۳-۱- بند پیرو اسمی
۱۴۵	۴-۷-۳-۲- بند پیرو وصفی
۱۴۵	۴-۷-۳-۳- بند پیرو قیدی
۱۴۶	نتیجه‌گیری
۱۴۹	پیوست : واژگان
۲۱۶	کتابنامه
۲۱۶	الف : منابع عمومی
۲۲۸	ب : منابع گویش‌گیلکی

رساله^۶ حاضر، به گونه‌ای از کوشش گیلکی پرداخته است که به نظر می‌رسد تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. از بررسی آنچه که تا این زمان درباره گونه‌های مختلف کوشش گیلکی انجام گرفته و مقایسه آنها با آنچه در این بررسی فراهم شده است، می‌توان به تفاوت‌های موجود در گونه‌های متفاوت کوشش گیلکی که هر یک دارای الگوها و ویژگیهای خاصی هستند، پی برد.

نگارنده، با اطلاع از این مهم و برای برجسته نمودن این تفاوت‌ها، به توصیف گیلکی حسن کیا ده پرداخته است. بدون شک آنچه که در اینجا فراهم شده است، تحقیقات و پژوهشهای آینده را درباره این کوشش مانع نمی‌شود، زیرا با هر تحقیق و پژوهشی تازه، زوایای دیگری از آن روشن می‌شود و در نهایت مجموعه‌ای نسبتاً "کامل از موضوعی و احاطه دست می‌آید.

بررسی کوشش گیلکی حسن کیا ده (کیا شهر) از چهار فصل تشکیل شده است:

فصل اول به مقدمات می‌پردازد و از تاریخ، جغرافیای تاریخی و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گیلان بویژه منطقه حسن کیا ده اطلاعاتی بدست می‌دهد و سپس به کوشش گیلکی و گونه‌های از آن (گیلکی حسن کیا ده) اشاره می‌کند و در پایان، روش کار تحقیق حاضر را شرح می‌دهد.

فصل دوم، درباره نظام آوایی این کوشش است و به بررسی و توصیف

آواهای آن اختصاص دارد. در فصل سوم ساخت واژه مورد بررسی قرار می گیرد و ساختمان و اجزاء سازنده^۶ واژه و واحدهای طبقات مختلف، معین می گردد. فصل چهارم به بررسی نحوه اختصاص دارد و چگونگی قرار گرفتن واحدهای مختلف در کنار یکدیگر و تشکیل ساخت بزرگتر را توضیح می دهد.

گذشته از چهار فصل اصلی، یک واژه نامه^۷ فارسی - کیلیکی در پیوست آمده است. در این قسمت تنها واژه هایی فهرست شده اند که بطور نسبی تفصیلات آوایی بیشتری با زبان فارسی دارند. واژه های اختصاصی منطقه بیشتر بصورت موضوعی و زیریک عنوان اصلی آورده شده اند. آوانگاری بخش واژگان نسبتاً کلی است، اما برای نشان دادن تلفظ صحیح آواهای مخصوص منطقه، از نشانه های دقیق تری استفاده شده است.

در تهیه مواد این رساله، چندین گویشور به مدت نسبتاً زیادی مرایاری کرده اند، جا دارد در اینجا ازشما می آنها، مخصوصاً "خانمها: آسیه نعمتی (۳۲ ساله - دیپلم)، سیما نعمتی (۲۵ ساله - دیپلم)، احترام کار دوست (۵۰ ساله - بیسواد) و آقایان: عیسی کیا مقدم (۳۵ ساله - دیپلم)، رضا نعمتی (۲۳ ساله پنجم ابتدایی)، قدردانی نمایم.

در پایان بر خود واجب می دانم تا از راهنمایی ها و رشادهای صمیمانه

جناب آقای دکتر یحیی مدرس و سرکار خانم دکتر ایران کلیاسی، استادیان

محترم را هنما و مشاور که در تهیه این رساله مرایاری نمودند ، تشکر و قدردانی
کنم و اعتراف نمایم که بدون حمایت و بزرگواری این سروران تهیه این بررسی
مقدور نبود .

داود سرمست دستک - تابستان ۱۳۷۱

موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

نشانه‌های آوا نویسی

الف : نشانه‌های اصلی

<u>همخوانها</u>	<u>مشخصات آوایی</u>	<u>مثال</u>	<u>معادل فارسی</u>
p	دولبی، انسدادی، بیواک	pâç	قد کوتاه
b	دولبی، انسدادی، واگذار	baçor	بالا
t	دندانی، انسدادی، بیواک	tow	تاب - تب
d	دندانی، انسدادی، واگذار	dâz	داس
k	نرمکامی، انسدادی، بیواک	kał	کچل
g	نرمکامی، انسدادی، واگذار	gul	گل - گول
G	ملازی، انسدادی، واگذار	ʔaGał	عقل
ʔ	چاکنایی، انسدادی، بیواک	ʔamə	ما
s	لشوی، سایشی، بیواک	sus	ست
z	لشوی، سایشی، واگذار	zâk	بچه
š	کامی، سایشی، بیواک	šutur	شتر
ž	کامی، سایشی، واگذار	žandâr	ژاندارم
f	لب‌ودندانی، سایشی، بیواک	fał	سوپ‌جو

همخوانها	مشخصات آوایی	مثال	معادل فارسی
v	لب و دندان‌نی، سایشی، واکدار	vā ^v š	علف هرز
x	ملازی، سایشی، بیواک	xā ^h š	استخوان ماهی
h	چاکنایی، سایشی، واکدار	hīmə	هیزم
v̥ ç	کامی، انسدادی-سایشی، بیواک	çalk	چرک
ʃ	کامی، انسدادی-سایشی، واکدار	ʃon	جان - تن
r	لشوی، غلتان، واکدار	rīg	شن - ماسه
m	دولبی، غنه‌ای، واکدار	murG	مرغ
n	دندان‌نی، غنه‌ای، واکدار	non	نان
L	لشوی، کناری، واکدار	lām	لامپ
y	کامی، نیم‌واکه، واکدار	yak	یک

واک‌ها

i	پیشین، بسته، گسترده	ɣimru	امروز
y	پیشین، بسته، گرد	tym	بوته برنج - توم
e	پیشین، نیمه‌باز، گسترده	se	عدد سه
ə	مرکزی، نیمه‌باز، خنثی	xonə	خانه
a	پیشین، باز، گسترده	ʔanɟi:l	انجیر

واکها	مشخصات آوایی	مثال	معادل فارسی
u	پسین، بسته، گرد	tur	دیوانه-تور ماهیگیری
o	پسین، نیمه باز، گرد	kot	کودشیمیایی
â	پسین، باز، گرد	brâ	برادر

واکهای مرکب

ay	پیشین، واکه مرکب	bazay	زدی
ey	پیشین، واکه مرکب	reyhon	ریحان
ây	پسین، واکه مرکب	?abây	داداش - برادر
ow	پسین، واکه مرکب	gow	گا و
oy	پسین، واکه مرکب	pappoy	فاخته

ب : نشانه های فرعی

— _n	دندانی، پایین نشانه اصلی
— _h	دمیده، بالای نشانه اصلی
— [~]	غنه ای، بالای نشانه اصلی
— _o	واک گرفته، پایین نشانه اصلی
— ⁻	کشیده، بالای نشانه اصلی
— [!]	تکیه، بالای هجای تکیه دار
//	نشانه واج نویسی
[]	نشانه آوا نویسی

فصل اول

مقدمات

=====

۱-۱- گیلان

گیلان درجه ۳۶ و ۲۸ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی واقع است. گیلان از شمال به دریای خزر و شهر کوچک نمین، از شرق به مازندران، از جنوب به قزوین، خمسه و آذربایجان و از مغرب به آذربایجان محدود می‌شود. طول آن از شمال غربی به جنوب شرقی در حدود ۲۲۵ کیلومتر و عرض آن از ۲۵ کیلومتر تا ۱۰۵ کیلومتر (۱) تغییر می‌کند.

نام گیلان از کلمه اوستایی وارنا *varenâ* که نام ناحیه‌ای در شمال کوه البرز است مشتق می‌باشد. کلمه گیلان از صفت بومی وارنا مشتق شده است و معنی آن "مربوط به وارنا" یا "وارنیک *Vârenik*" است، که به مرور در تلفظ به صورت گیلان درآمده است. (۲)

در جلد دوم دایره المعارف فارسی صاحب‌درباره ریشه اسم گیلان آمده

است که گیلان در مآخذ اسلامی جیل (*jil*) یا جیلان، اوستایی ورن

۱- ه.ل. را بیثو (۱۳۵۷)، ص ۳-۴.

۲- همانجا.

(varena) ، ولایت و ناحیه‌ی تاریخی در اطراف دلتای سفیدرود، جنوب دریای خزر و شمال سلسله جبال البرز است. اشتقاق گیلان (سرزمین "گیل" ها) از گیل است که به مناسبت مردابها و گلزارهای آن ، ریشه‌ی عامیانه دارد.

۲-۱- سیما‌ی طبیعی گیلان

وجود سلسله جبال البرز در جنوب ، دریای خزر در شمال آن از سیما های ویژه این ناحیه است که با سایر نقاط ایران کاملاً متفاوت است و این تفاوت از لحاظ محصولات و مناظر و شرایط اقلیمی کاملاً به چشم می خورد. کوههای جنوبی گیلان (سلسله جبال البرز) ، که آنها را به هلالی تشبیه کرده اند، مانند حصار عظیم این ناحیه را در بر گرفته است. این حصار، گذشته از اینکه سدی در مقابل مهاجمان بود، مانع حرکت ابرهای دریای خزر به سوی فلات ایران می شود و این ابرها تاگزیر در بار بکه‌ای که اکنون گیلان و مازندران نامیده می شود، می بارند و بدین سبب این ناحیه همیشه سرسبز و مرطوب و پوشیده از جنگلهای انبوه است و رودها، با تلاقها و مردابهای فراوان در آن بوجود آمده است. دامنه‌ی کوههای البرز، در قسمتی که متوجه دریای خزر است، همه سرسبز و پوشیده از جنگلهای انبوه است. ولی طرف مقابل آن خشک و سوزان است. میزان بارش در این ناحیه به ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی متر در سال می رسد و رطوبت هوا گلهی

واقعاً "توانفرسا است. گیلان بطور کلی از هوای معتدل مدیترانه‌ای برخوردار
(۳)
است.

۳-۱- جغرافیای تاریخی

ولایت جنگلی و کوهستانی که در نقشه امروزی ایران، گیلان نام دارد، در زمان ساسانیان به دیلمان یا دیلمستان معروف بود. چنانچه ولایت از روزی که در تاریخ شناخته شده جایگاه دوتیره از مردم بوده که تیره‌های را "گیل" و دیگری را "دیلم" می‌نامیدند. مردم گیلان در کناره‌های دریای خزر در آنجا ها که اکنون رشت و لاهیجان است، زندگی می‌کردند و با آذربایگان و زنگنه نزدیک و همجوار بودند. ولی دیلمان در کوه‌های جنوبی آن ولایت در آنجا ها که اکنون رودبار و الموت است زندگی می‌کردند و بیشتر با قزوین وری همسایه و نزدیک بودند.

این دوتیره شاید چنانکه بطلمیوس دانشمند معروف یونانی نوشته است از تیره "ماد" یا نسیتی با آن طایفه داشته‌اند. ولی در زمان ساسانیان و اوایل اسلام که عمده شهرت و معروفیت این مردم از آن زمانها شروع شده بود، دوتیره مذکور از هم جدا گشتند و دیلمان یا تیره دیلم از حریت بزرگتر و

معروفتر شدند، از اینرو سراسر ولایت را بنا می‌نمایان دیلمان یا دیلمستان خواندند و همه مردم آنجا را (گیلان را نیز) دیلم‌نامیدند، از اینجا است که در نوشته‌های دوره ساسانی و کتابهای اوائل اسلام کمتر بنام "گیل" برمی‌خوریم و بیشتر نام "دیلم" و "دیلمان" بکار می‌رفته است. همچنانکه اکنون برعکس آن دوره‌ها سراسر ولایت بنا می‌نمایان "گیلان" معروف است و همه مردم آنجا "گیل" یا "گیلک" نامیده می‌شوند و نام دیلم از میان رفته است.

(۴)

سفیدرود خاک گیلان را به دو بخش جداگانه تقسیم کرده است: بخشی که امروز مرکز آن شهر رشت است، به نام گیلان بیه‌پس یا کیلان روپس یا پساگیلان یا به قول مولف حدود العالم "آن سوی رودیان" و بخشی که مرکز آن لاهیجان بوده است، به نام گیلان بیه‌پیش یا گیلان روپیش و یا به قول مولف حدود العالم "این سوی رودیان" خوانده می‌شده است.

سفیدرود امروز نزدیک آستانه‌پیش می‌خورد و به سمت غرب منحرف می‌شود و در حسن کیاده به دریا می‌ریزد، ولی در گذشته این چنین نبوده است. در روستاهای شمال لاهیجان بستری از سفیدرود برجاست که روستایان آن را "کئنه سفیدرود" یعنی سفیدرود کهنه و قدیمی می‌نامند. این بستر که اکنون برجاست و دلیسل

زنده جا بجا شدن سفیدرود در جلگه گیلان است، از کیشم به آستانه و از آنجا به
 کمچال و کنف گوراب و سپس به رود بنه می رسد و از روستاهای بهمدان، گابیه
 (گابیه)، شیرجو پشت، بینه کلا، رود پشت، فوش پشت (فوش پشته)، نوشسر،
 کچلم، ایوان سل، ناصرکیاده، هسنال ده (حسنعلی ده)، تیتته ورزه (تی تی-
 پریزاد) و پایین رود پشت می گذشت و در جیرباغ به دریا می پیوست، دهکسده
 دهنسر، مقابل جیرباغ، بندر آن زمان بشمار می رفت. اما زمانی رسید که
 (۵)
 سفیدرود راه خود را کج کرد و برای خود بستری تازه گشود.

۱-۴. وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

استان گیلان حدود ۳۶۵۵۷ کیلومتر مربع مساحت و برابر آمار سال
 ۱۳۶۵، تعداد ۲۰۸۶۶۵۹ نفر جمعیت دارد. تراکم جمعیت در استان گیلان ۴۸ نفر
 در هر کیلومتر مربع است. از کل جمعیت استان ۲۲ درصد در شهرها و ۷۸ درصد در
 روستاها ساکنند. شهرهای آن عبارتند از: رشت، بندرانزلی، آستارا،
 تالش، صومعه سرا، فومن، لاهیجان، لنگرود، آستانه، اشرفیه، رودسر و رودبار.
 گیلان ناحیه‌ای است کشت و زراعت اصلی و منبع درآمد
 مهم ساکنان آن برنج است. کشت برنج قدیمی ترین و عمده ترین محصول

کشاوری را در گیلان تشکیل می دهد و سابق کشت آن به حدود ۲۵۰۰ سال می رسد .
 انواع برنجی که در گیلان کاشته می شود عبارتند از : صدری ، بی نام ، موسی طارم ،
 حسنی ، حسن سرائی ، جمپا و در سالهای اخیر محصول پربار آمل ۱ و آمل ۲ و خزر
 در سطوح وسیعی زیر کشت قرار گرفته است .

برابر آما موجود سطح زیر کشت برنج در سال ۱۳۶۳ بمقدار ۱۸۰ هزار
 هکتار و تولید آن به ۳۶۰ هزار تن بالغ گردیده است . پس از برنج زراعت های
 گندم ، چای ، جو ، حبوبات ، محصولات جالیزی ، سبزیجات ، مرکبات ، توتون ،
 بادام زمینی ، پیاز ، زیتون ، سیب زمینی و نیز باغات بصورت پراکنده در این
 استان متداول می باشد .

مرکز مهم صنعتی و بازرگانی گیلان شهر رشت است که ۳۸ درصد کارگاه های
 صنعتی و ۳۴ درصد موسسه های تجاری و ۲۰ درصد کارگاه های استان در آنجا
 تمرکز یافته است . در گذشته گلدوزی و ابریشم بافی در گیلان رونق داشته و لسی
 اکنون بکلی نابود گشته است . دیگر صنایع دستی مانند سفالینه سازی و تولید
 (۶)
 حصیرهای زیبا و تهیه اشیا نفیس چوبی در درجه دوم قرار دارد .

از نظر بسط فرهنگ و تعداد آموزشگاهها و عده دانش آموزان وعده

با سوادان گیلان در میان استان های ایران مقام اول را دارد. در سال ۱۳۴۲ طبق آمار رسمی ۳۳ درصد از جمعیت استان گیلان (مردوزن) از ده سال به بالا با سواد بودند و در شهر رشت این رقم (مردوزن) به ۶۲ درصد بالغ می گردید و در صد با سوادان مرد در رشت (از ده سال به بالا) به هفتاد درصد می رسید و این رقم حتی ۲ درصد از عده با سوادان تهران که با سوادترین شهر ایران به شمار می رود، بیشتر است .

(۷)

را بینودر کتاب گیلان صفحه ۹۳ می نویسد: تقریباً "تمام پسرها و عده ای از دخترها به مکتب خانه می روند و در آنجا خواندن و نوشتن می آموزند و آیاتی از قرآن را حفظ می کنند. از چند سال قبل مدرسه هایی به سبک مدارس اروپایی در این شهر تاسیس شده است که در آنها فارسی، عربی، فرانسه، روسی، هندسه، جبر، حساب و جغرافیا تدریس می شود. م. ا. ا. ف. چرچیل که در سال ۱۳۲۱ هجری در زمان امتحان یکی از این مدارس حضور داشت از استعداد فوق العاده عده ای از دانش آموزان که در مدت کوتاهی به سهولت زبان فرانسه آموخته بودند، اظهار شگفتی می کرد.

روزنامه نویسی از آغاز نهضت مشروطیت در گیلان، رونق فراوانی داشت و روزنامه معروف "نسیم شمال" در رشت منتشر می شده است. سنت دفاع آزادی